

در سایه نا کارآمدی دولت جمهوری اسلامی ایران: ز گهواره تا گور در حسرتند!

گل‌های خندان و فرزندان ایران «گل» بازی، در کوره پزخانه‌ها تفریح اجباری شان شده است، نونهالانی که باید به دنبال علم و دانش باشند در بهترین حالت به نان آوران کوچکی تبدیل شده اند که "فال" می فروشند و "گل" و "شاید هم" "هروئین"، "شیشه"، "تریاک" و ... همیشه مدرسه شروعی بود برای ورود به دنیایی جدید، دنیایی که می بایست آینده بهتری را برای نسل پیش رو بسازد، نسلی شاد، پر امید و آگاه.



اما عوامل بسیاری در این مسیر دست به دست هم داده اند و سدی شده اند برای عدم دستیابی کودکان، نوجوانان و جوانان به این آرمان‌های ایده ال.

بررسی آماری روند ترک تحصیل دانش آموزان ایرانی بیانگر این حقیقت تلخ است که **فقر مالی و فقر انگیزشی** توأمان از بزرگترین عوامل در ترک تحصیل مقاطع ابتدایی و متوسطه به شمار می رود و به دنبال آن محیط نامناسب خانه، اجتماع، مدرسه، سخت گیری های کاملاً بیهوده، ضعف سیستم آموزشی و ده ها مورد دیگر از جمله عوامل و دلایل خرد و کلانی هستند که حاصلی جز عدم انگیزه تحصیلی و ایجاد زمینه هایی بسیار قوی برای ترک تحصیل دانش آموزان ندارند.



اینکه هر سال به سبب فقر و فشارهای بی پایان اقتصادی، بر شمار کودکان و دانش آموزان مقاطع مختلف ترک تحصیل کرده در جای جای کشورمان افزوده شود به امری بسیار عادی بدل شده است، کودکانی که به جای حضور در مدارس و کسب علم و دانش به دنبال فراگیری و انجام اموری هستند که نه تنها متناسب با سن و سال آنان نیست بلکه بسیار خطرناک و زیان آور است، کودکان فقر و تنگدستی که باید به جای اینکه هزینه ای بر هزینه های خانواده بیفزایند، کارکنند، حتی کولبری، تا شاید مرحم دردهای خانواده باشند و نانی فراهم کنند با طعم فال و تزارو و اسپند و باچاشنی شلیک گلوله و خون.

آمار ازدواج دختران در سنین کودکی هم که در لیست آمار ترک شدگان تحصیل آمده بسیار درخور توجه و نگران کننده است، دخترکانی که طی مراسم تعیین مهریه، شیربها، حنا بندان و زیرلفظی برچسب قیمت میخورند و به اسارت می روند تا هم از خرج خانواده کم شود و هم گره های مشکلات گشوده گردد. از دیگر دلایل افت و سپس ترک تحصیل

این آینده سازان، نداشتن انگیزه و امید به ادامه راه و استفاده از دانش کسب شده است و تقویت این دو نیرو در کانون های آموزشی از وظایف مسئولین امر در سیستم آموزشی کشور می باشد که متأسفانه با توجه عدم حضور افراد آگاه در ارکان دولت جمهوری اسلامی ایران و سیستم آموزشی استعدادگش، فشل، عقب مانده، ناکارآمد و پر هزینه فعلی که خود در هزارتوی مشکلات اقتصادی و سیاست های غلط دست و پا میزند، امکان پذیر نیست چرا که از دانش و توانایی القای امید و انگیزه بی بهره است.

مسئولان و متولیان نظام آموزشی کشور

باید بدانند که وامدار سرنوشت و آینده تک تک فرزندان ایرانند و محکوم به اجرای قوانین و پاسگو بودن به تمامی حقوقی که از این قشر وسیع جامعه نقض شده است،

باید بدانند: آموزش و پرورش حقی است رایگان و اجباری که باید در اختیار کودکان و نوجوانان قرار گیرد تا در سایه آموزش و آگاهی بتوانند به حقوق اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی خود نایل شوند با استناد به:

ماده ۲۶ (بند الف) اعلامیه جهانی حقوق بشر: حق برخورداری از آموزش همگانی رایگان در مقطع ابتدایی و پایه، اجبار بر آموزش ابتدایی، حق برخورداری عموم از آموزش فنی و حرفه ای.

ماده ۲۸ پیمان نامه حقوق کودک و اینکه: کشورهای طرف کنوانسیون حق آموزش و پرورش را برای کودک به رسمیت می شناسند و برای تحقق آن: (الف) تحصیل دوره ابتدایی را برای همه اجباری و رایگان نموده، اشکال مختلف آموزش متوسطه منجمله آموزش حرفه ای و کلی را در دسترس آنان قرار می دهند. **اصل ۳ بند ۳ و اصل ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:** آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه و دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد. **هف چهارم از سند ۲۰۳۰ یونسکو:** آموزش با کیفیت برای همه میسر و مساوی باشد و فرصتهای یادگیری برای همه در تمام طول عمر فراهم شود.

کانون دفاع از حقوق بشر در ایران

کمیته دفاع از حقوق کودک و نوجوان